

منارعه و عدالت انتقالی در آفریقا

چندین کشور زیر صحرای آفریقا؛ قاره سیاهی که داغ شلاق برده‌فروشی‌ها، جنگ‌های ویرانگر، تبعیض نژادی و سنت‌های مبین با ارزش‌های حقوق بشر و کرامت انسانی، همواره بر تن داشته‌اند، تصمیم گرفتند تا لختی درنگ کرده و به عدالت و کرامت انسانی و ارزش‌های حقوق بشر توجه کنند. روی این تصمیم، از اوایل دهه ۱۹۹۰ عزم کردند تا با تکیه به ابزار و شیوه‌های فرآیند عدالت انتقالی مانند تعقیب قضایی، حقیقت‌یابی و مصالحه و اصلاحات در دستگاه‌های عدلی، قضایی و امنیتی، برای رسیدگی به جرایم ضدبشری در گذشته مبادرت ورزند. اما متأسفانه فقدان یک خواست واحد سیاسی و ضعف سازمان‌های دولتی تمام این تلاش‌های نیک و ارزشمند را بی‌اثر کرده است. و برنامه‌های صلح دوامدار و مصالحه پایدار این کشورها با تأمین فرآیند عدالت انتقالی و رسیدگی به جرایم ضدبشری در گذشته، همچنان ناکارآمد و عقیم مانده است.

دوزخیان زمین

قاره آفریقا سرزمین غمبار و تراژیک است که در برزخ دنیای گذشته و معاصر سرگردان است. این دنیای برزخی، جهنمی‌ترین شقاوت‌ها را در دل تاریخ خودش به یادگار گذاشته است. اگر به گذشته تاریخی این قاره مراجعه کنیم، نه رد پای استقلال می‌یابیم و نه اثری از حکومت‌های دموکراتیک و نه صلح و شکوفایی. بلکه ساکنان این سرزمین، یادآور "دوزخیان روی زمین"ی هستند که همواره مورد تجاوزهای کشورهای بیگانه و سلطه‌جویی‌های وحشیانه و استعمارگری‌ها قرار گرفته‌اند و مدام حکومت‌های مستبد و ستمگر و سرکوبگر مخالفان سیاسی و خصوصاً تخطی‌ها و نقض‌های حقوق بشری را تجربه کرده‌اند.

اوگاندا، اتیوپی و ارتوری از جمله کشورهای این قاره هستند که در دهه ۱۹۹۰ میلادی تجربیات تلخ و دشوار تخطی‌ها و نقض‌های حقوق بشری در مقیاس وسیع را پشت سر گذاشته‌اند. کشورهایی که در اثر حکومت‌های مستبد و تمامیت‌خواه تک‌حزبی، مرتکب نقض حقوق بشری گردیدند. در جریان این تک‌صدایی، صداهای بسیاری در گلو خفه شدند. همچنین کشورهای سیرالیون و لیبیا نیز تجربیات دردناک جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای را تجربه کرده‌اند. کشورهایی که رؤسای جمهور فاسدشان به خاطر به دست آوردن منابع طبیعی، جنگ‌های داخلی را به راه انداختند که در اثر منازعات مسلحانه طیف وسیع نقض حقوق بشری شکل گرفت. کشورهای کنیا و زیمبابوه نیز از جمله کشورهایی هستند که صداهای متنوع مخالفان خود را سرکوب کرده‌اند. سرزمین‌هایی که نظام‌های سیاسی آن مخالفان خود را سرکوب کردند و حقوق سیاسی اتباع‌شان را نقض کردند.

اکثر کشورهای آفریقایی که دوران‌های تلخ و دشوار جنگ‌ها و منازعات مسلحانه داخلی و یا منطقه‌ای را سپری کرده‌اند، در حال حاضر در حال گذار به دوره جدید سیاسی هستند. با این هم، هنوز برخی از این کشورها نتوانسته‌اند خود را از چنگال منازعات مسلحانه برهانند.

ICTJ در کشورهای آفریقایی



کشورهای برون‌دی، جمهوری دموکراتیک کانگو، لیبیا، سیرالیون و سودان نیز سال‌ها در آتش منازعه‌های مسلحانه سوخته‌اند و در حال سوختن هستند و خاکسترش را بادهای سرگردان به دورترین نقاط تیره تاریخ این کشور می‌پراکنند. جامعه بین‌المللی در راستای تأمین صلح و به وجود آوردن شرایط کافی برای انتخابات در این کشورها تلاش‌هایی را انجام داده‌اند. اما از آنجا که احزاب جنایتکار جنگی و مرتکبین نقض حقوق بشری و تاراج‌کنندگان اقتصادی را همانند احزاب مشروع و قانونی در پروسه انتخابات شریک ساخته‌اند، متأسفانه این کشورها فرصت‌های کمتری خواهند داشت تا به دموکراسی پایدار و صلح دائمی برسند. زیرا که صلح و دموکراسی با جرایم جنگی و تجارت تاراج اقتصادی، اشتراک مساعی نخواهند توانست.

فرصت‌ها و مشکلات

در خاکباده‌ها و آوار خاکستر طیف وسیع نقض حقوق بشر در آفریقا، تلاش‌های مناسبی برای تأمین پروسه عدالت انتقالی در این قاره مهیا و هموار شده است. اما این پروسه، در عین فرصت‌ها و زمینه‌های مساعد برای تطبیق عدالت، با مشکلات متعددی نیز روبرو می‌باشد. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به گفت‌وگوهای صلح در سیرالیون (۱۹۹۹)، لیبیا (۲۰۰۳) و سودان (۲۰۰۵) اشاره کرد. گفت‌وگوهایی که در آن، جامعه بین‌المللی روی تقویه جامعه مدنی و حقوق بشر در این کشورها متمرکز شدند و آن کشورها نیز از صلح و مسئولیت‌پذیری استقبال کردند که در نتیجه برای قربانیان و گروه‌های ملی حقوق بشر این فرصت به دست آمد تا روی حقیقت‌یابی و تأمین عدالت انتقالی بیشتر متمرکز شوند.

سقوط سومالی، سیرالیون، لیبیا و نسل‌کشی رواندا در سال ۱۹۹۴ و فوران بعدی جنگ و اشغال شدن کشور همسایه جمهوری دموکراتیک کانگو توسط بیگانگان، خشن‌ترین منازعه‌های مسلحانه‌ای بودند که این کشورها تجربه کردند و قاره آفریقا را به شدت شوکه ساخت و نقض گسترده حقوق بشر را در پی داشتند. سپس این منازعه‌ها، رهبران آفریقایی را آماده ساخت تا راه‌های بیرون رفت از پیچیدگی‌های معافیت عاملین خشونت‌ها و مفسدین را جستجو کنند. اتحادیه آفریقا با قانون‌گذاری سال ۲۰۰۰ خود متعهد گردید تا افراد ملکی عضو این اتحادیه را از خطرات جرایم جنگی و بی‌رحمی‌های دسته‌جمعی ولو این که توسط حکومت‌های خودشان انجام می‌شوند، مصون نگه دارند. این تعهد که به دوکتورین "مسئولیت حفاظت" نام گرفت، پیش‌تر از این توسط جوامع بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته بود.

دولت‌های آفریقایی متعهد شده‌اند تا به طور دسته‌جمعی عدالت انتقالی را در کشورهایی که طیف وسیع تخطی‌های حقوق بشر صورت گرفته است، تأمین کنند و از فرهنگ معافیت جلوگیری نمایند. همچنین محکمه مخصوص برای سیرالیون و دیوان محاکمات مجرمان بین‌المللی برای رواندا تلاش کرده‌اند تا جنایتکاران و ناقضان حقوق بشر را وادار کنند که به جرایم و ارتکاب تخطی‌های حقوق بشری‌شان اعتراف نمایند و مسئولیت جرایم و نقض‌ها را به عهده بگیرند. ۳۰ کشور آفریقایی برای تقویه این دیوان اساسنامه روم را امضا کرده‌اند و دادگاه بین‌المللی لاهه را تأسیس کرده‌اند. کشورهای اوگاندا، جمهوری دموکراتیک کانگو و جمهوری آفریقای مرکزی، در

مسیر دشوار تطبیق رسیدگی به جرایم ضدبشری، از جزء اولین کشورهایایی بودند که متهمین ارتکاب به نقض حقوق بشر را به دادگاه ویژه بین‌المللی در رواندا ارجاع دادند. اما تحقیقات این دادگاه در جمهوری دموکراتیک کانگو و سودان موجب تنش میان این دادگاه و اتحادیه آفریقا شده است.

در حالی که دادگاه‌های بین‌المللی اشتیاق رسیدگی به جرایم ضدبشری و جنایت‌های علیه بشریت را از دست داده‌اند، با آن هم متخصصین عدالت انتقالی، عاری از هرگونه یأس و ناامیدی در حال بررسی و استفاده از مکانیزم‌ها و راه‌های سنتی برآمده از متن عرف‌ها و عنعنات قبیله‌ای و قومی برای دستیابی به حل منازعات می‌باشند. برای همین منظور، فعالین اوگاندا و منطقه دارفور سودان، روی مکانیزم پرداخت غرامت بین الجوامعی تکیه می‌کنند. مکانیزمی که احتمالاً ریشه در دیگر کشورها نیز دارد.

بررسی‌ها نشان داده است که منازعات اخیر آفریقا دارای خصوصیت‌هایی چون "پویایی منازعات منطقه‌ای" و "فساد بومی" هستند. این خصوصیت‌ها موانع و مشکلاتی در مسیر تطبیق عدالت انتقالی و فرا راه رسیدگی به جرایم ضدبشری ایجاد کرده‌اند. روی همین محور پویایی منطقه‌ای است که منازعه در آفریقا به ندرت در داخل یک مرز محدود مانده است. براساس همین پویایی، لازم است تا تلاش‌های تأمین صلح دوامدار و مسئولیت‌پذیری در سطح وسیع در منازعات کشورهای همسایه معطوف گردد.

در راستای این تلاش‌ها، سه دیوان محاکمه بین‌المللی به طور چشمگیری، پیچیدگی منطقه‌ای نقض وسیع حقوق بشر را تقبیح کردند. در همین جهت، دادگاه بین‌المللی عدالت در سال ۲۰۰۵ اعلام کرد که اوگاندا مسئول نقض حقوق بشر در دوره اشغال قسمت شرقی کانگو می‌باشد. همچنین دادگاه میانجی دائمی، حکم کرد که ارتزی در جنگ علیه اتیوپی به آن کشور تجاوز کرده است و دادگاه ویژه سیرالیون نیز علیه رییس پیشین لیبیا، چارلز تایلور به خاطر نقش او در جنگ داخلی سیرالیون اعلام جرم کرده و وی را تحت تعقیب قضایی قرار داده است.

موضوع فساد نیز از جمله موارد مشکل‌ساز کشورهای آفریقایی است که تأمین عدالت و صلح دوامدار را با موانع جدی روبرو ساخته است. بعضی از فعالان حقوق بشر آفریقایی معتقدند که اساس تخطی‌های حقوق بشر را فساد و جرایم اقتصادی تشکیل می‌دهند چه این که فقر زاده شده از فساد خود عامل افزایش خشونت‌ها است.

درباره مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی (ICTJ): مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی نهادی است که در راستای تأمین عدالت انتقالی فعالیت می‌کند. این نهاد، کشورهایی را که می‌خواهند برای تأمین صلح دوامدار و تطبیق عدالت بالای جرایم ضدبشری گذشته فعالیت کنند، کمک می‌نماید. محل فعالیت این مرکز، جوامعی است که از حکومت‌های سرکوب‌گر و یا نزاع‌های مسلحانه‌هایی یافته‌اند و یا این که در آن کشورها دموکراسی، تازه پایه‌گذاری شده است و هنوز با مشکلات باقی مانده از گذشته اعم از نقض وسیع عدالت و تخطی‌های سیستماتیک حقوق بشری دست و پنجه نرم می‌کنند. برای دریافت اطلاعات بیشتر در مورد این سازمان به آدرس www.ictj.org مراجعه نمایید.

درباره دیده‌بان افغانستان: دیده‌بان افغانستان یک نهاد مدنی افغانی است که دورنمای آن را رسیدن به یک جامعه دموکراتیک، امن، بردبار و برخوردار از عدالت که تمامی شهروندان بتوانند از فرصت‌های مساویانه برخوردار باشند، تشکیل می‌دهد. رسالت این نهاد، انجام فعالیت‌هایی می‌باشد که باعث بهبودی صلح، عدالت و فرهنگ هم‌دیگرپذیری و احترام گذاشتن به حقوق بشری در افغانستان می‌شود. تعهد قوی به دموکراسی، عدالت، حقوق بشر، انکشاف متوازن اجتماعی و اقتصادی کشور، بی‌طرفی، استقلال و تخصص به عنوان رهنمود فعالیت‌ها و ارزش‌های محوری سازمان می‌باشد. برای معلومات بیشتر در مورد دیده‌بان افغانستان به این وبسایت مراجعه کنید: www.watchafghanistan.org